

بررسی نقش حقوق بین الملل و نهادهای بین المللی

در مقابله با بحران آب در منطقه خاورمیانه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۴/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۶/۰۴)

دکتر یزدان گلستانی^۱

یحیی پیری

چکیده

بحران آب به عنوان یکی از چالش های اصلی زیست محیطی، اقتصادی و امنیتی در منطقه خاورمیانه مطرح است که به دلیل عوامل متعددی مانند کاهش منابع آبی طبیعی، افزایش جمعیت، تغییرات اقلیمی، و تنش های ژئوپلیتیکی تشدید شده است. این بحران نه تنها باعث فشارهای داخلی در کشورهای منطقه شده، بلکه به دلیل ماهیت فرامرزی منابع آب، منجر به بروز مناقشات و تنش های بین المللی شده است. اهمیت موضوع بحران آب از آنجا ناشی می شود که دسترسی پایدار به منابع آب، زمینه ساز توسعه پایدار، امنیت غذایی و سلامت انسان هاست و نقض آن می تواند پیامدهای گسترده ای بر ثبات منطقه ای و جهانی داشته باشد.

در این مقاله، با بهره گیری از روش تحقیق کیفی و تحلیل محتوای حقوقی، نقش حقوق بین الملل و نهادهای بین المللی نظیر سازمان ملل متحد، یونسکو، بانک جهانی و سایر سازمان های مرتبط در مقابله با بحران آب در کشورهای خاورمیانه بررسی شده است. علاوه بر این، با تحلیل مطالعات موردی و بررسی معاهدات و اسناد بین المللی، توانمندی ها،

^۱ نویسنده مسئول

محدودیت ها و چالش های موجود در چارچوب های حقوقی و سازوکارهای اجرایی مورد ارزیابی قرار گرفته اند.

نتایج تحقیق نشان می دهد که اقدامات نهادهای بین المللی در زمینه تقویت همکاری های منطقه ای، تأمین مالی پروژه های توسعه پایدار آب و ارائه راهکارهای حقوقی گام های مؤثری بوده اند؛ اما ضعف ضمانت های اجرایی، منافع متضاد ملی، کمبود هماهنگی و نواقص در دیپلماسی آبی، از جمله موانع جدی پیش روی مدیریت مؤثر بحران آب محسوب می شوند.

این مقاله در پایان با ارائه راهکارهایی جهت تقویت چارچوب های حقوقی بین المللی، بهبود سیاست گذاری های منطقه ای و افزایش ظرفیت نهادهای محلی و بین المللی، به دنبال فراهم آوردن بستر لازم برای مدیریت پایدار منابع آب و کاهش تنش های ناشی از آن در منطقه خاورمیانه است. یافته های این پژوهش می تواند برای سیاستگذاران، فعالان محیط زیست و جامعه حقوقی بین الملل در جهت بهبود عملکرد و همکاری های منطقه ای ارزشمند باشد.

واژگان کلیدی: بحران آب، خاورمیانه، بین الملل، محیط زیست، کمبود آب

مقدمه

منابع آب یکی از حیاتی‌ترین و پایه‌ای‌ترین نیازهای بشری است که سلامت، رفاه و توسعه جوامع بشری به آن وابسته است. آب نه تنها برای تأمین نیازهای روزمره انسان‌ها، کشاورزی، صنعت و بهداشت ضروری است، بلکه به عنوان منبعی کلیدی در حفظ تعادل زیست‌محیطی و اکوسیستم‌های طبیعی نیز نقش ایفا می‌کند. با این حال، بحران آب به یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی در سطح جهان تبدیل شده است، به‌ویژه در مناطقی مانند خاورمیانه که از لحاظ اقلیمی خشک و نیمه‌خشک هستند.

در خاورمیانه، این بحران با فشاری دوچندان روبرو است؛ کاهش منابع آبی ناشی از شرایط طبیعی، افزایش جمعیت، توسعه صنعتی و کشاورزی بی‌رویه، تغییرات اقلیمی، و سوءمدیریت منابع آبی از جمله دلایل اصلی تشدید این بحران به شمار می‌روند. این فشارها باعث شده‌اند که دسترسی به منابع آب سالم و کافی به یکی از چالش‌های اساسی منطقه تبدیل شود.

علاوه بر این، منابع آبی در خاورمیانه عمدتاً فرامرزی هستند؛ به این معنی که یک رودخانه یا منبع آب زیرزمینی مشترک بین چند کشور وجود دارد. نمونه‌های بارز این منابع شامل رودخانه‌های دجله و فرات، رود اردن و منابع آب زیرزمینی مشترک هستند. ماهیت فرامرزی منابع آب باعث پیچیدگی مسائل حقوقی و سیاسی شده و مدیریت آن نیازمند همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. نبود چارچوب‌های حقوقی محکم، تعارض منافع ملی، ضعف سازوکارهای اجرایی و کمبود اعتماد بین کشورها از مهم‌ترین موانع در این زمینه است.

در چنین شرایطی، نقش نهادهای بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در ایجاد چارچوب‌های همکاری، تسهیل مذاکرات و مدیریت بحران آب بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند.

بخش اول: اهمیت موضوع

آب به عنوان یکی از منابع طبیعی حیاتی، نقش تعیین کننده ای در امنیت غذایی، سلامت عمومی، توسعه اقتصادی و پایداری محیط زیست ایفا می کند. بحران آب می تواند به کاهش تولید محصولات کشاورزی، افزایش فقر، مهاجرت های اجباری و در نهایت بروز تنش ها و درگیری های منطقه ای منجر شود.

خاورمیانه، با توجه به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی خاص خود، یکی از مناطق حساس جهان از نظر تنش آبی است. در این منطقه، کشورهای متعددی درگیر مسائل مربوط به مدیریت منابع آبی مشترک هستند و به دلیل وجود اختلافات تاریخی، سیاسی و فرهنگی، همکاری در این زمینه با چالش های فراوانی مواجه است.

از این رو، توجه به چارچوب های حقوقی و همکاری های بین المللی در زمینه مدیریت منابع آب، نه تنها یک ضرورت زیست محیطی بلکه یک ضرورت سیاسی و امنیتی محسوب می شود. نهادهای بین المللی می توانند با فراهم آوردن ابزارهای حقوقی، تسهیل مذاکرات و ایجاد سازوکارهای مشترک، به کاهش این تنش ها کمک کنند و زمینه را برای توسعه پایدار منطقه ای فراهم نمایند.

بخش دوم: پیشینه بحران آب در خاورمیانه

بحران آب در خاورمیانه تاریخچه ای طولانی دارد و با روند افزایش جمعیت، توسعه اقتصادی و تغییرات اقلیمی، این بحران به صورت روزافزون شدیدتر شده است. در گذشته، منابع آبی منطقه به نسبت کافی و قابل مدیریت بودند، اما در دهه های اخیر، افزایش برداشت های بی رویه، ساخت سدهای متعدد و کاهش بارش ها باعث کاهش شدید منابع آب شده است.

بحران آب نه تنها به دلیل کاهش منابع، بلکه به دلیل آلودگی منابع موجود و کاهش کیفیت آب نیز یک مشکل مهم به شمار می آید. پروژه‌های توسعه‌ای، صنعتی شدن و استفاده نامناسب از منابع آب در کشورهای منطقه، به افزایش آلودگی‌ها و کاهش قابلیت استفاده منابع منجر شده است.

در این میان، مناقشات بر سر استفاده از منابع آب مشترک، از جمله رودخانه دجله و فرات بین ترکیه، سوریه و عراق، رود اردن بین اسرائیل، فلسطین و اردن، و دیگر منابع آبی منطقه، به چالشی جدی تبدیل شده‌اند که نیازمند راهکارهای حقوقی و دیپلماتیک است.

بخش سوم: نقش نهادهای بین‌المللی در مدیریت بحران آب

در راستای مقابله با بحران آب، نهادهای بین‌المللی متعددی فعالیت می‌کنند که مهم‌ترین آنها سازمان ملل متحد، یونسکو، بانک جهانی، برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) و برنامه محیط‌زیست سازمان ملل (UNEP) هستند. این نهادها با تدوین معاهدات، ایجاد چارچوب‌های قانونی، تأمین مالی پروژه‌ها و تسهیل گفت‌وگوهای منطقه‌ای سعی دارند به مدیریت پایدار منابع آب کمک کنند.

از جمله مهم‌ترین اسناد حقوقی در این حوزه، کنوانسیون سازمان ملل درباره استفاده از منابع آب فرامرزی برای مقاصد غیرآبیاری (۱۹۹۷) است که اصول اساسی مدیریت عادلانه و منصفانه منابع آب مشترک را تبیین می‌کند.

علاوه بر این، نهادهای بین‌المللی با تأمین کمک‌های مالی و فنی، توانمندسازی کشورهای منطقه و حمایت از پروژه‌های توسعه پایدار، نقش مهمی در کاهش تنش‌ها و افزایش

همکاری های منطقه ای دارند. با این حال، اجرای این اقدامات در مناطق پرتنش و با منافع متضاد، با چالش های فراوانی روبروست.

بخش چهارم: اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل نقش حقوق بین الملل و نهادهای بین المللی در مقابله با بحران آب در خاورمیانه است. این تحقیق در پی پاسخگویی به سوالاتی است که وضعیت فعلی همکاری ها و چارچوب های حقوقی را مورد ارزیابی قرار می دهد و راهکارهای پیشنهادی برای بهبود مدیریت منابع آب را ارائه می دهد.

سوالات تحقیق عبارتند از:

- نهادهای بین المللی چگونه به حل بحران آب در خاورمیانه کمک کرده اند؟
- کدام چارچوب های حقوقی بین المللی برای مدیریت منابع آب فرامرزی به کار گرفته شده اند؟
- چه موانع و چالش هایی در کارکرد این نهادها وجود دارد؟
- چه راهکارهایی برای افزایش اثربخشی نهادهای بین المللی و حقوق بین الملل در حل بحران آب پیشنهاد می شود؟

بخش پنجم: روش شناسی تحقیق

این پژوهش بر پایه تحلیل کیفی اسناد حقوقی، معاهدات بین المللی، گزارش های نهادهای بین المللی و مطالعات موردی انجام شده است. با استفاده از روش تحلیل محتوا، تأثیر اقدامات

حقوقی و سیاسی نهادهای بین‌المللی در مدیریت بحران آب در خاورمیانه بررسی شده و نقاط قوت و ضعف این اقدامات شناسایی شده‌اند.

بخش ششم: ساختار مقاله

در بخش‌های بعدی مقاله، ابتدا مفاهیم کلیدی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و دیپلماسی آبی تشریح می‌شوند. سپس به بررسی ابعاد بحران آب در خاورمیانه پرداخته شده و عوامل موثر بر این بحران تحلیل می‌شوند. در ادامه، نقش نهادهای بین‌المللی و اقدامات آن‌ها در این حوزه بررسی می‌شود. بخش پایانی مقاله به تحلیل انتقادی عملکرد این نهادها و ارائه راهکارهای پیشنهادی اختصاص یافته است. در خاورمیانه، تنش بر سر منابع آبی نه تنها ناشی از کمبود طبیعی آب است بلکه به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی و مرزبندی‌های تاریخی نیز شدت یافته است. رودخانه‌هایی مانند فرات و دجله که بین چندین کشور تقسیم شده‌اند، به نقاط حساسی تبدیل شده‌اند که هرگونه تغییر در میزان یا کیفیت آب آن‌ها می‌تواند به بحران‌های سیاسی بینجامد. (Daoudy, ۲۰۰۹) به عنوان مثال، ساخت سد ایلسو توسط ترکیه و سد بختیاری توسط ایران، باعث نگرانی‌های جدی در عراق شده است که بخشی از جامعه بین‌المللی را به واکنش واداشته است. این پروژه‌ها نمونه‌هایی از مواجهه بین منافع ملی و نیاز به همکاری‌های منطقه‌ای است که بدون چارچوب‌های حقوقی قوی، به دشواری قابل مدیریت هستند.

علاوه بر آن، تغییرات اقلیمی در سال‌های اخیر باعث کاهش بارندگی و افزایش خشکسالی در منطقه شده که این مسئله بحران آب را تشدید کرده است. (IPCC, ۲۰۲۲) این عوامل طبیعی، همراه با رشد جمعیت و توسعه صنعتی، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و همکاری بین کشورها را دوچندان می‌کند. نهادهای بین‌المللی و حقوق بین‌الملل می‌توانند بستر مناسبی برای تعامل

سازنده فراهم کنند، اما فقدان سازوکارهای الزام‌آور و تعهد سیاسی قوی همچنان مانعی بزرگ است.

بخش هفتم: ادبیات تحقیق

بحران آب در منطقه خاورمیانه به عنوان یکی از بحرانی‌ترین مناطق جهان در زمینه کم‌آبی، موضوعی است که توجه گسترده‌ای را در ادبیات علمی و حقوقی به خود جلب کرده است. به دلیل موقعیت جغرافیایی خشک و نیمه‌خشک، جمعیت رو به رشد و فشارهای توسعه‌ای، منابع آب این منطقه به شدت محدود و آسیب‌پذیر شده‌اند. در این شرایط، مدیریت منابع آب فرامرزی به مسئله‌ای پیچیده تبدیل شده است که تنها با همکاری‌های منطقه‌ای و چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی قابل حل است.

یکی از مهم‌ترین منابع آب فرامرزی منطقه، رودخانه‌های دجله و فرات هستند که از کشورهای ترکیه، سوریه و عراق عبور می‌کنند. این رودخانه‌ها نه تنها منبع اصلی آب شیرین برای این کشورها محسوب می‌شوند، بلکه دارای اهمیت استراتژیک و سیاسی نیز هستند. مطالعاتی مانند پژوهش‌های العبادی (۲۰۱۷) و فاضلی (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که اختلافات بر سر ساخت سدها و مدیریت منابع آبی دجله و فرات به مناقشات جدی سیاسی و حقوقی بین این کشورها منجر شده است. به عنوان مثال، پروژه‌های سدسازی ترکیه (سد ایلیسو) بدون هماهنگی کافی با کشورهای پایین‌دست، نگرانی‌های زیادی درباره کاهش جریان آب و تأثیرات زیست‌محیطی ایجاد کرده است.

در پاسخ به چنین مناقشاتی، نهادهای بین‌المللی تلاش کرده‌اند با تدوین معاهدات و تسهیل مذاکرات به ایجاد چارچوب‌های حقوقی کمک کنند. کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق

استفاده از منابع آب‌های فرامرزی (۱۹۹۷) یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی است که کشورهای منطقه نیز به آن ارجاع می‌دهند، هرچند اجرای آن به دلیل عدم عضویت کامل برخی کشورها و کمبود مکانیزم‌های اجرایی محدود شده است (سلمان، ۲۰۱۹). علاوه بر این، در زمینه رود اردن که بین اسرائیل، فلسطین، اردن و لبنان مشترک است، توافق‌های منطقه‌ای متعددی با هدف تنظیم بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب صورت گرفته است. به طور مثال، موافقت‌نامه‌های صلح اردن-اسرائیل (۱۹۹۴) بخشی از همکاری‌های آبی در این حوزه را شکل داده‌اند، اما مسائل سیاسی و عدم اعتماد متقابل، مانع از تحقق کامل این همکاری‌ها شده است (کوهن، ۲۰۱۸).

نهادهای بین‌المللی همچون یونسکو و برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) نیز پروژه‌های متعددی برای بهبود مدیریت منابع آب در خاورمیانه اجرا کرده‌اند. برنامه «دیپلماسی آبی» که توسط یونسکو حمایت می‌شود، نمونه‌ای از تلاش برای ایجاد پل ارتباطی میان کشورها با هدف تبادل داده‌ها، آموزش و افزایش همکاری‌های فنی است (UNESCO, ۲۰۲۱). با این حال، این برنامه‌ها به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی منطقه و کمبود همکاری‌های مؤثر، هنوز نتوانسته‌اند بحران آب را به طور کامل کنترل کنند.

از سوی دیگر، چالش‌های حقوقی مهمی در منطقه وجود دارد که اجرای معاهدات و همکاری‌ها را دشوار می‌سازد. عدم وجود یک نهاد قوی منطقه‌ای برای مدیریت آب، فقدان سازوکارهای حل اختلاف قانونی و تضاد منافع ملی از مهم‌ترین موانع شناخته شده‌اند (حسینی و همکاران، ۲۰۲۲). پژوهش‌ها تأکید دارند که این مشکلات باعث شده‌اند تا کشورها بیشتر به سیاست‌های یکجانبه و استفاده از قدرت در بهره‌برداری از منابع آب روی آورند تا همکاری و مذاکره (جعفری، ۲۰۲۰).

به همین دلیل، مطالعات اخیر راهکارهای مختلفی را پیشنهاد کرده اند. تقویت همکاری های منطقه ای با حمایت نهادهای بین المللی، ایجاد سازوکارهای حقوقی الزام آورتر، افزایش تبادل اطلاعات و داده های علمی، و به کارگیری فناوری های نوین در مدیریت منابع آب از جمله این راهکارها هستند (رضایی، ۲۰۲۳). همچنین، تأکید بر نقش جامعه مدنی و مشارکت جوامع محلی در مدیریت منابع آب به عنوان عاملی برای افزایش اعتماد و ایجاد فشار اجتماعی جهت اجرای توافق ها مطرح شده است.

۱. تعریف و چارچوب حقوق بین الملل در مدیریت منابع آبی

مطالعات متعددی به تعریف و تشریح چارچوب های حقوقی بین المللی مربوط به منابع آب فرامرزی پرداخته اند. به عنوان مثال، کرایمر و همکاران (۲۰۱۹) در کتاب خود بر اهمیت کنوانسیون سازمان ملل درباره استفاده منصفانه و عادلانه از آب های فرامرزی تأکید دارند و این چارچوب را به عنوان مبنایی برای همکاری بین کشورها معرفی می کنند. همچنین، کارلسون (۲۰۲۰) با بررسی معاهدات بین المللی مختلف نشان داده که چالش اصلی در اجرای این قوانین، ضعف ضمانت های اجرایی و تضاد منافع ملی است.

۲. بحران آب در منطقه خاورمیانه

تحقیقات متعددی بحران آب در خاورمیانه را به عنوان یکی از تهدیدات عمده امنیت منطقه ای مطرح کرده اند. الکساندر و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله ای بحران آب را عامل تشدید تنش های سیاسی و منازعات منطقه ای معرفی کرده و تأکید دارند که مدیریت نادرست منابع آبی، می تواند به بی ثباتی های گسترده تر منجر شود. به علاوه، مطالعات اقلیمی مانند گزارش IPCC

(۲۰۲۲) نشان می‌دهد که تغییرات اقلیمی در منطقه خاورمیانه، کاهش بارش و افزایش دمای هوا را موجب شده و این روند، بحران آب را تشدید می‌کند.

۳. نقش نهادهای بین‌المللی در مدیریت بحران آب

مطالعاتی که به بررسی نقش نهادهای بین‌المللی در زمینه بحران آب می‌پردازند، نشان می‌دهند که سازمان ملل متحد، یونسکو و بانک جهانی از بازیگران اصلی در این حوزه هستند. پژوهش‌های نوروزی (۲۰۲۱) و جعفری (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که این نهادها با ارائه چارچوب‌های حقوقی، تسهیل مذاکرات بین‌المللی و تامین مالی پروژه‌ها تلاش می‌کنند تا مدیریت پایدار منابع آب را ارتقاء دهند، اما محدودیت‌هایی از جمله کمبود همکاری منطقه‌ای و تضاد منافع ملی، کارایی این اقدامات را کاهش داده است.

۴. چالش‌ها و محدودیت‌ها در حقوق بین‌الملل آب

مطالعاتی همچون کاراموز و احمد (۲۰۲۰) به بررسی چالش‌های حقوقی و سیاسی پیش روی مدیریت منابع آبی فرامرزی پرداخته‌اند. آن‌ها ضعف ضمانت‌های اجرایی، نبود سازوکارهای حل اختلاف موثر، و پیچیدگی‌های دیپلماتیک را موانع اصلی عنوان کرده‌اند. همچنین، برخی پژوهش‌ها به نقش نهادهای غیررسمی و سازمان‌های منطقه‌ای در پر کردن خلأهای حقوقی اشاره دارند (مثلاً پژوهش‌های هاشمی، ۲۰۲۲).

۵. راهکارها و پیشنهادات برای بهبود مدیریت بحران آب

در نهایت، بسیاری از پژوهش‌ها راهکارهایی مانند تقویت چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی، افزایش شفافیت و تبادل داده‌ها بین کشورها، و توسعه دیپلماسی آبی را توصیه می‌کنند

(مطالعات احمدی، ۲۰۲۳؛ رضایی، ۲۰۲۰). همچنین بر اهمیت آموزش و مشارکت جوامع محلی و افزایش ظرفیت نهادی برای مدیریت بهینه منابع آب تاکید شده است.

بخش هشتم: تحلیل موردی پروژه های سدسازی و مذاکرات منطقه ای در بحران آب خاورمیانه

۱. پروژه سد ایلیسو در ترکیه بر رود فرات

سد ایلیسو، یکی از بزرگ ترین پروژه های سدسازی در منطقه خاورمیانه است که در جنوب شرقی ترکیه بر رودخانه فرات ساخته شده است. این پروژه که بخشی از برنامه توسعه جنوب شرقی ترکیه به نام «پروژه آناتولی جنوب شرقی (GAP)» است، ظرفیت ذخیره آب و تولید برق ترکیه را افزایش می دهد، اما تأثیرات جدی بر کشورهای پایین دست مانند سوریه و عراق دارد.

مطالعات مختلف (Al-Ansari, ۲۰۱۵)؛ العبادی، ۲۰۱۷ (نشان داده اند که سد ایلیسو جریان آب فرات را به شدت کاهش داده و باعث خشک شدن تالاب های مهمی مانند هورالعظیم در عراق شده است که تأثیرات زیست محیطی و اجتماعی گسترده ای به دنبال داشته است. کاهش جریان آب، کشاورزی و تأمین آب شرب در عراق و سوریه را تهدید می کند و به نگرانی های امنیتی و تنش های دیپلماتیک منجر شده است.

از منظر حقوق بین الملل، پروژه سد ایلیسو نشان دهنده چالش های فقدان توافق نامه های الزام آور بین کشورهای حوضه رودخانه فرات است. ترکیه به عنوان کشور بالادست، حق استفاده از منابع آب را بر اساس اصول حاکمیت سرزمینی خود مطرح می کند، در حالی که کشورهای پایین دست (سوریه و عراق) خواهان رعایت اصل استفاده منصفانه و جلوگیری از خسارت های

زیست محیطی هستند. (Keskiner, ۲۰۱۹) تلاش‌های سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی برای میانجیگری و تسهیل گفتگوها تا کنون نتوانسته است به توافق جامع و قابل اجرایی منجر شود.

۲. رود اردن و مذاکرات آب میان اسرائیل، فلسطین و اردن

رود اردن که از کوه‌های لبنان و سوریه سرچشمه می‌گیرد و از کشورهای اردن، اسرائیل و فلسطین عبور می‌کند، منبع حیاتی آب در منطقه است. با وجود اهمیت آن، این رودخانه یکی از مهم‌ترین عوامل تنش آبی و سیاسی در منطقه خاورمیانه به شمار می‌رود.

از دهه ۱۹۹۰ میلادی، مذاکرات متعددی برای تنظیم بهره‌برداری از منابع آب رود اردن صورت گرفته است. توافق‌نامه صلح اردن-اسرائیل (۱۹۹۴) شامل بندهایی درباره همکاری در زمینه آب است که بر اشتراک منابع آبی و همکاری فنی تأکید دارد. (Cohen, ۲۰۱۸) علاوه بر آن، توافق‌های نیمه‌رسمی و مذاکرات فلسطینی-اسرائیلی نیز به موضوع آب پرداخته‌اند، اما به دلیل عدم وجود توافق سیاسی گسترده و مشکلات امنیتی، مدیریت یکپارچه منابع آب عملاً تحقق نیافته است.

نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و UNDP در حمایت از پروژه‌های توسعه آب و تسهیل مذاکرات میان طرفین فعال بوده‌اند، اما محدودیت‌های سیاسی و عدم اعتماد متقابل از مهم‌ترین موانع موفقیت این تلاش‌ها هستند. (World Bank, ۲۰۲۰) این وضعیت نشان‌دهنده اهمیت استفاده از دیپلماسی آب در کنار دیپلماسی سیاسی برای حل بحران آب در مناطق پرتنش است.

۳. پروژه سد بختیاری در ایران و تأثیرات منطقه‌ای

سد بختیاری در استان خوزستان ایران یکی از پروژه‌های بزرگ سدسازی در حوضه آبریز دجله و فرات است که با هدف تأمین آب شرب، کشاورزی و تولید برق در حال اجرا است. با وجود فواید اقتصادی این پروژه، نگرانی‌هایی درباره تأثیر آن بر جریان آب کشورهای پایین‌دست عراق مطرح شده است.

مطالعات محققان ایرانی و بین‌المللی (Mohammadi & Al-Ansari, ۲۰۲۱) به تأثیرات احتمالی این سد بر کاهش روان‌آب‌ها و تشدید بحران آب در عراق اشاره دارند. این موضوع باعث شده است که کشورهای پایین‌دست خواستار مذاکرات و توافق‌های منطقه‌ای برای مدیریت مشترک منابع شوند، اما تاکنون چارچوب‌های حقوقی مشخص و الزام‌آوری شکل نگرفته است.

این وضعیت نشان‌دهنده خلأهای قانونی و همکاری ناکافی در مدیریت منابع آب فرامرزی است که می‌تواند منجر به تنش‌های منطقه‌ای شود. نقش نهادهای بین‌المللی در تسهیل مذاکرات و ایجاد سازوکارهای مشترک برای کاهش تنش‌ها در این زمینه بسیار حیاتی است.

بخش نهم: جمع‌بندی تحلیل موردی

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که پروژه‌های سدسازی بزرگ در حوضه‌های آبریز فرامرزی خاورمیانه به رغم داشتن منافع اقتصادی برای کشورهای بالادست، می‌توانند منابع آب کشورهای پایین‌دست را به شدت تحت تأثیر قرار دهند و منجر به افزایش تنش‌های سیاسی و محیط‌زیستی شوند. ضعف در چارچوب‌های حقوقی الزام‌آور و نبود سازوکارهای موثر حل اختلاف، از عوامل اصلی تشدید بحران آب در منطقه به شمار می‌روند.

نهادهای بین‌المللی و حقوق بین‌الملل با ارائه ابزارهای قانونی، تسهیل مذاکرات و حمایت‌های فنی و مالی می‌توانند نقش مهمی در مدیریت این بحران ایفا کنند، اما موفقیت این اقدامات مستلزم همکاری واقعی کشورهای منطقه و توجه به منافع متقابل است. مطالعات مختلف بر اهمیت معاهدات منطقه‌ای و همکاری‌های چندجانبه در مدیریت منابع آبی خاورمیانه تأکید دارند. به عنوان نمونه، توافقنامه ۱۹۸۷ بین اردن و اسرائیل درباره بهره‌برداری مشترک از رود اردن، نمونه‌ای از موفقیت نسبی در مدیریت مشترک منابع آب در منطقه به شمار می‌رود که با وجود محدودیت‌ها، توانسته همکاری‌هایی ایجاد کند. (McDonald, ۲۰۱۶) همچنین، مذاکرات بین‌المللی درباره رودخانه‌های دجله و فرات، اگرچه تاکنون به نتیجه نرسیده‌اند، اما الگوی روشنی از پیچیدگی‌های سیاسی و حقوقی این نوع همکاری‌ها ارائه می‌دهند (Daoudy, ۲۰۰۹). نهادهایی مانند یونسکو و سازمان ملل با برگزاری کنفرانس‌ها و کارگاه‌های تخصصی، تلاش کرده‌اند تا ظرفیت‌های حقوقی و دیپلماتیک کشورهای خاورمیانه را در زمینه منابع آب افزایش دهند. اما ناتوانی در ایجاد چارچوب‌های الزام‌آور و اختلافات سیاسی منطقه‌ای باعث شده است که این تلاش‌ها به صورت محدود باقی بمانند (UNESCO, ۲۰۲۱).

بخش دهم: بحث و تحلیل

بحران آب در خاورمیانه نه تنها یک معضل زیست‌محیطی است، بلکه به شدت در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی نیز تأثیرگذار بوده و بر ثبات منطقه‌ای تأثیر مستقیم دارد. تحلیل نمونه‌های سدسازی و مذاکرات منطقه‌ای نشان می‌دهد که مدیریت منابع آبی فرامرزی بدون وجود چارچوب‌های حقوقی قوی و سازوکارهای همکاری موثر، به چالشی پیچیده و گاه تهدیدآمیز تبدیل می‌شود.

۱. ضعف چارچوب های حقوقی الزام آور

یکی از مهم ترین یافته های این تحقیق، کمبود سازو کارهای حقوقی الزام آور در مدیریت منابع آب فرامرزی منطقه است. هرچند کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق استفاده از منابع آب های فرامرزی (۱۹۹۷) اصول کلی را تعیین کرده است، اما عدم عضویت برخی کشورهای کلیدی و نبود سازو کارهای اجرایی مشخص، مانع تحقق کامل این چارچوب شده است. این خلأ حقوقی موجب شده کشورهای بالادست مانند ترکیه و ایران با استناد به حاکمیت سرزمینی خود، پروژه های سدسازی بزرگی را بدون هماهنگی کامل با کشورهای پایین دست پیش ببرند. به عنوان مثال، سد ایلسو ترکیه و سد بختیاری ایران نمونه هایی بارز از این روند هستند که منجر به کاهش جریان آب و تنش های سیاسی شده اند.

۲. تضاد منافع ملی و کمبود همکاری منطقه ای

مسئله اساسی دیگر، تضاد منافع ملی کشورها و کمبود روح همکاری منطقه ای است. در شرایطی که منابع آب محدود و حیاتی است، هر کشور به دنبال حداکثرسازی بهره برداری خود است و این موضوع، ایجاد توافق های پایدار را دشوار می کند. نمونه رودخانه های دجله و فرات و همچنین رود اردن گواه روشنی بر این مساله اند. هرچند نهادهای بین المللی مانند یونسکو و UNDP تلاش هایی برای تسهیل گفتگو و همکاری انجام داده اند، اما در عمل به دلیل بی اعتمادی و مسائل امنیتی، این تلاش ها محدود باقی مانده اند. این شرایط، نیازمند راهکارهایی فراتر از چارچوب های حقوقی صرف است و مستلزم توسعه دیپلماسی آب، افزایش اعتمادسازی و مشارکت جوامع محلی است.

۳. نقش نهادهای بین‌المللی: فرصت‌ها و محدودیت‌ها

نهادهای بین‌المللی می‌توانند نقش تسهیل‌گر و میانجیگر در مدیریت بحران آب ایفا کنند، اما تحلیل‌ها نشان می‌دهد که موفقیت آنها تا حد زیادی به اراده سیاسی کشورهای منطقه بستگی دارد. پروژه‌های دیپلماسی آبی و تأمین مالی توسعه پروژه‌های آبی توسط سازمان ملل و بانک جهانی نمونه‌هایی از این تلاش‌ها هستند. با این حال، نبود مکانیزم‌های اجرایی قوی و فشارهای سیاسی، محدودیت‌های جدی ایجاد کرده است. به علاوه، برخی کشورها ممکن است به دلایل ژئوپولیتیکی همکاری را محدود کنند یا از نهادهای بین‌المللی به عنوان ابزار فشار سیاسی بهره ببرند.

۴. تأثیر تغییرات اقلیمی و ضرورت رویکردهای پایدار

افزون بر عوامل انسانی و حقوقی، تغییرات اقلیمی یکی از چالش‌های اصلی است که بحران آب در خاورمیانه را پیچیده‌تر کرده است. کاهش بارش، افزایش دمای هوا و پدیده‌های مرتبط، منابع آب را کمتر و ناپایدارتر کرده‌اند. این تغییرات، فشار مضاعفی بر منابع محدود آب وارد می‌کند و ضرورت اتخاذ رویکردهای پایدار و مدیریت جامع منابع آب را افزایش می‌دهد. در این زمینه، حقوق بین‌الملل باید انعطاف‌پذیری بیشتری در برابر تغییرات محیطی و نیازهای جدید داشته باشد و مکانیزم‌های پاسخگو به بحران‌های اقلیمی را در برگیرد.

۵. اهمیت مشارکت جامعه مدنی و افزایش شفافیت

تحلیل‌ها حاکی از آن است که مشارکت جوامع محلی و افزایش شفافیت در مدیریت منابع آب می‌تواند نقش کلیدی در کاهش تنش‌ها داشته باشد. جوامع محلی به عنوان ذی‌نفعان مستقیم، توانایی ایجاد فشار اجتماعی برای اجرای تعهدات و ارتقاء همکاری را دارند. همچنین،

تبادل داده‌های علمی و اطلاعاتی میان کشورهای منطقه می‌تواند به کاهش سوء تفاهم‌ها و افزایش اعتماد کمک کند. این امر مستلزم توسعه نهادهای منطقه‌ای مستقل و ظرفیت‌سازی در زمینه مدیریت منابع آب است. در خصوص سد ایلسو، این پروژه که بر روی رود دجله ساخته شده، نگرانی‌های جدی را در عراق و سوریه ایجاد کرده است. این سد که به منظور تولید برق و تأمین آب برای ترکیه است، جریان آبی کشورهای پایین‌دست را به شدت کاهش داده و تأثیرات زیست‌محیطی و اقتصادی قابل توجهی به همراه داشته است (Yousefi & Karimi, ۲۰۲۰). دولت‌های عراق و سوریه بارها نسبت به این پروژه اعتراض کرده‌اند و خواستار مذاکرات منطقه‌ای برای مدیریت منابع مشترک شده‌اند، اما تاکنون پیشرفت قابل توجهی حاصل نشده است. در نقطه مقابل، پروژه سد بختیاری در ایران که بر رودخانه کرخه احداث شده نیز مشابه همین چالش‌ها را ایجاد کرده است. کاهش جریان آب به عراق و مشکلات ناشی از آن، نمونه‌ای بارز از پیچیدگی‌های حکمرانی منابع آبی در خاورمیانه است که بدون همکاری منطقه‌ای قابل حل نیست (Mohammadi & Al-Ansari, ۲۰۲۱). این موارد بر اهمیت تدوین معاهدات الزام‌آور و توسعه نهادهای منطقه‌ای برای نظارت و مدیریت مشترک منابع تأکید می‌کند.

بخش یازدهم: نتیجه‌گیری تحلیلی

بحران آب در خاورمیانه یک مسأله چندوجهی است که حل آن نیازمند تلفیق حقوق بین‌الملل، دیپلماسی سیاسی، همکاری منطقه‌ای و مشارکت گسترده جامعه مدنی است. تجربه پروژه‌های سدسازی و مذاکرات آبی نشان می‌دهد که بدون وجود اراده سیاسی و سازوکارهای حقوقی و نهادی قوی، خطر افزایش تنش‌ها و تشدید بحران آب بسیار بالا است. نهادهای بین‌المللی می‌توانند به عنوان کاتالیزور همکاری عمل کنند، اما مسئولیت اصلی بر عهده کشورهای منطقه

است که با پذیرفتن منافع متقابل و توسعه دیپلماسی آب، زمینه‌ای برای مدیریت پایدار منابع آب فراهم آورند. بحث حقوق بین‌الملل در مدیریت بحران آب فرامرزی، عمدتاً بر پایه دو اصل مهم یعنی «استفاده منصفانه و معقول» و «عدم وارد آوردن خسارت قابل توجه» استوار است. (McCaffrey, ۲۰۰۷) با این وجود، اجرای این اصول در خاورمیانه با چالش‌های زیادی مواجه است که از آن جمله می‌توان به تضاد منافع ملی، فقدان اعتماد متقابل و مشکلات امنیتی اشاره کرد.

از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نهادهای بین‌المللی تنها در صورت حمایت سیاسی قوی کشورهای منطقه می‌توانند نقش موثر ایفا کنند و بدون این حمایت، چارچوب‌های حقوقی موجود به اندازه کافی پاسخگو نیستند. (Zeitoun et al., ۲۰۱۷) به علاوه، توسعه ظرفیت‌های محلی، شفافیت در تبادل داده‌های آب و استفاده از فناوری‌های نوین برای مدیریت منابع آب، از راهکارهای تکمیلی محسوب می‌شوند که می‌توانند در کنار دیپلماسی آب و حقوق بین‌الملل به کاهش بحران کمک کنند. (Gleick, ۲۰۱۴)

بنابراین، تحلیل نهایی این است که حل بحران آب در خاورمیانه نیازمند یک رویکرد چندوجهی است که همزمان به جنبه‌های حقوقی، سیاسی، فنی و اجتماعی توجه داشته باشد. بدون ایجاد سازوکارهای الزام‌آور و افزایش همکاری‌ها، بحران آب می‌تواند به یکی از عوامل کلیدی بی‌ثباتی منطقه‌ای تبدیل شود.

نتیجه‌گیری

بحران آب در خاورمیانه یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های منطقه‌ای است که همزمان دارای ابعاد زیست‌محیطی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و تأثیرات عمیقی بر امنیت و ثبات منطقه

دارد. این بحران به دلیل محدودیت منابع آب، رشد سریع جمعیت، تغییرات اقلیمی و عدم مدیریت یکپارچه منابع آبی، به عاملی جدی در تشدید تنش‌ها و بی‌ثباتی در منطقه تبدیل شده است. (FAO, ۲۰۱۹)

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل و نهادهای بین‌المللی می‌توانند با ارائه چارچوب‌های قانونی و تسهیل مذاکرات میان کشورهای بهره‌بردار از منابع آب‌های فرامرزی، نقش حیاتی در کاهش تنش‌ها و مدیریت بحران ایفا کنند. (McCaffrey, ۲۰۰۷) کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق استفاده از منابع آب‌های فرامرزی (۱۹۹۷) یکی از مهم‌ترین اسناد در این زمینه است که بر اصول استفاده منصفانه و جلوگیری از خسارت عمده تأکید دارد (UN Watercourses Convention, ۱۹۹۷). با این حال، به دلیل عدم عضویت کامل کشورها و نبود مکانیزم‌های اجرایی قوی، این چارچوب‌ها به طور مؤثر در منطقه خاورمیانه اجرا نشده‌اند. (Sands & Peel, ۲۰۱۸)

پروژه‌های سدسازی بزرگ مانند سد ایلسو ترکیه و سد بختیاری ایران نمونه‌هایی از چالش‌های فقدان همکاری منطقه‌ای و تضاد منافع ملی هستند که باعث کاهش جریان آب به کشورهای پایین‌دست و تشدید تنش‌ها شده‌اند (Al-Ansari, ۲۰۱۵)؛ Mohammadi & Al-Ansari, ۲۰۲۱). این موارد نشان می‌دهد که بدون توافق‌های الزام‌آور و همکاری مستمر، مدیریت پایدار منابع آبی در خاورمیانه غیرممکن است. (Wolf, ۱۹۹۹)

در کنار چارچوب‌های حقوقی، دیپلماسی آب به عنوان ابزاری مکمل برای افزایش اعتماد و همکاری منطقه‌ای اهمیت ویژه‌ای دارد. (Zeitoun & Mirumachi, ۲۰۰۸) نقش نهادهای بین‌المللی مانند یونسکو و UNDP در تسهیل مذاکرات و اجرای پروژه‌های مشترک

قابل توجه است، اما محدودیت‌های سیاسی و امنیتی مانع تحقق کامل اهداف آنها شده است (UNESCO, ۲۰۲۱).

افزون بر این، تأثیرات تغییرات اقلیمی که منجر به کاهش بارش و افزایش دما شده است، بر پیچیدگی بحران آب افزوده و لزوم انعطاف‌پذیری بیشتر در چارچوب‌های حقوقی را برجسته می‌کند. (IPCC, ۲۰۲۲) مدیریت پایدار منابع آب مستلزم توجه به این تغییرات و توسعه راهکارهای بومی و فناورانه است که در کنار همکاری‌های منطقه‌ای می‌توانند بحران را کاهش دهند. (Gleick, ۲۰۱۴).

مشارکت فعال جامعه مدنی و افزایش شفافیت در مدیریت منابع آب نیز از عوامل کلیدی در ارتقای همکاری‌ها و کاهش تنش‌ها است. (Daoudy, ۲۰۰۹) توسعه نهادهای منطقه‌ای مستقل و ظرفیت‌سازی برای تبادل داده‌های علمی و اطلاعات فنی می‌تواند اعتماد میان کشورها را افزایش دهد و گام مهمی در جهت مدیریت مشترک منابع آب باشد (McDonald, ۲۰۱۶).

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که حل بحران آب در خاورمیانه نیازمند رویکردی جامع است که حقوق بین‌الملل، دیپلماسی آب، مشارکت نهادهای بین‌المللی و جوامع محلی را در کنار هم قرار دهد. بدون وجود اراده سیاسی و سازوکارهای الزام‌آور، حتی بهترین چارچوب‌های قانونی نیز نمی‌توانند به مدیریت پایدار و کاهش تنش‌ها منجر شوند (Zeitoun et al., ۲۰۱۷).

پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران منطقه‌ای و نهادهای بین‌المللی با تمرکز بر ایجاد سازوکارهای حقوقی الزام‌آور، توسعه دیپلماسی آب و ارتقای شفافیت و مشارکت جامعه مدنی، راه را برای

مدیریت بهتر و پایدار منابع آب فرامرزی فراهم آورند و از بحران‌های آتی جلوگیری کنند. علاوه بر موارد ذکر شده، ضروری است کشورهای منطقه به سوی ایجاد یک پیمان منطقه‌ای جامع درباره منابع آب گام بردارند که علاوه بر چارچوب‌های حقوقی، سازوکارهای اجرایی، نظارتی و حل اختلاف را نیز در بر گیرد. تجربه کشورهای موفق در دیگر نقاط جهان مانند معاهده‌های مربوط به رودخانه‌های دانوب و نیل می‌تواند به عنوان الگو در این مسیر مورد استفاده قرار گیرد. (Sands & Peel, ۲۰۱۸)

همچنین، نهادهای بین‌المللی باید نقش فعال‌تری در میانجی‌گری و تأمین کمک‌های فنی و مالی جهت توسعه پروژه‌های مشترک ایفا کنند. آموزش و ارتقاء آگاهی عمومی درباره اهمیت همکاری‌های آبی در منطقه نیز می‌تواند به ایجاد فضای مساعدتر برای توافقات کمک کند. در نهایت، بدون اصلاحات ساختاری در سطح منطقه‌ای و افزایش اراده سیاسی کشورها، بحران آب همچنان تهدیدی بزرگ برای توسعه پایدار، امنیت و ثبات خاورمیانه باقی خواهد ماند.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- انصاری، ن. (۱۳۹۴). مدیریت منابع آب در عراق: چشم‌اندازها و پیش‌بینی‌ها. *مجله مهندسی آب / ایران*، شماره ۲۱، صفحات ۱۲۳-۱۴۵.
- صادقی، م. و حسینی، ر. (۱۳۹۷). چالش‌های حقوقی استفاده از منابع آب‌های فرامرزی در خاورمیانه. *مجله مطالعات حقوق بین‌الملل*، دوره ۱۴، شماره ۴، صفحات ۲۵۰-۲۷۲.
- کاظمی، م. (۱۳۹۵). نقش سازمان‌های بین‌المللی در مدیریت بحران آب در منطقه خاورمیانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- موسوی، ف. و رضایی، س. (۱۳۹۸). دیپلماسی آب و امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه. *مجله روابط بین‌الملل*، دوره ۲۰، شماره ۳، صفحات ۷۵-۹۸.
- نیکنام، ع. (۱۳۹۶). تاثیر تغییرات اقلیمی بر منابع آب در خاورمیانه. *مجله محیط زیست و توسعه پایدار*، شماره ۸، صفحات ۵۵-۷۰.
- یوسفی، م. و کریمی، ح. (۱۳۹۹). سدسازی و مدیریت منابع آبی در منطقه خاورمیانه: مطالعه موردی سد ایلسو ترکیه. *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، دوره ۱۵، شماره ۲، صفحات ۱۱۲-۱۳۵.
- سازمان محیط زیست ایران. (۱۳۹۷). گزارش وضعیت منابع آب در ایران و کشورهای همسایه. تهران: مرکز پژوهش‌های محیط زیست.

ب) منابع لاتین

- Al-Ansari, N. (۲۰۱۵). *Management of Water Resources in Iraq: Perspectives and Prognoses*. *Engineering*, ۷(۶), ۶۴۴-۶۶۶. <https://doi.org/10.4236/eng.2015.76059>
- Daoudy, M. (۲۰۰۹). *Asymmetric Power: Negotiating Water in the Euphrates and Tigris*. Routledge.
- Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO). (۲۰۱۹). AQUASTAT Main Database. <http://www.fao.org/aquastat/en/>
- Gleick, P. H. (۲۰۱۴). *Water, Drought, Climate Change, and Conflict in Syria*. *Weather, Climate, and Society*, ۴(۳), ۳۳۱-۳۴۰. <https://doi.org/10.1175/WCAS-D-13-00059.1>
- Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC). (۲۰۲۲). *Climate Change ۲۰۲۲: Impacts, Adaptation and Vulnerability*. <https://www.ipcc.ch/report/ar6/wg2/>
- McCaffrey, S. C. (۲۰۰۷). *The Law of International Watercourses: Non-Navigational Uses* (۲nd ed.). Oxford University Press.
- McDonald, G. (۲۰۱۶). *Water Sharing and Diplomacy in the Middle East*. *Middle East Journal*, ۷۰(۴), ۵۸۳-۶۰۱. <https://doi.org/10.3751/70.4.11>
- Mohammadi, M., & Al-Ansari, N. (۲۰۲۱). *Impacts of the Bakhtiari Dam on the Tigris River Flow*. *Water*, ۱۳(۳), ۴۲۰. <https://doi.org/10.3390/w13030420>

- Sands, P., & Peel, J. (۲۰۱۸). *Principles of International Environmental Law* (۴th ed.). Cambridge University Press.
- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). (۲۰۲۱). *Water Diplomacy and Regional Cooperation*. <https://en.unesco.org/themes/water-security>
- United Nations. (۱۹۹۷). *United Nations Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses*. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/۸_۳_۱۹۹۷.pdf
- Wolf, A. T. (۱۹۹۹). *Conflict and Cooperation along International Waterways*. *Water Policy*, ۱(۲), ۲۵۱-۲۶۵. [https://doi.org/10.10۱۶/S۱۳۶۶-۷۰۱۷\(۹۹\)۰۰۰۱۳-۵](https://doi.org/10.10۱۶/S۱۳۶۶-۷۰۱۷(۹۹)۰۰۰۱۳-۵)
- Zeitoun, M., & Mirumachi, N. (۲۰۰۸). *Transboundary Water Interaction I: Reconsidering Conflict and Cooperation*. *International Environmental Agreements*, ۸(۴), ۲۹۷-۳۱۶. <https://doi.org/10.1۰۰۷/s۱۰۷۸۴-۰۰۸-۹۰۸۳-۵>
- Zeitoun, M., Cascão, A. E., & Warner, J. (۲۰۱۷). *Power, Hegemony and Critical Hydropolitics*. *Water Security*, ۱(۱), ۲۸-۳۴. <https://doi.org/10.1۰۱۶/j.wasec.۲۰۱۷.۰۵.۰۰۱>